

## عوامل ایجاد فقر فرهنگی در اندیشه علوی

الهه بیابانی آرانی\*

### چکیده

مهمترین مؤلفه سبک زندگی، فرهنگ است که با توجه به شرایط زمان و مکان، متفاوت است. فرهنگ گستره وسیعی دارد و تعریف آن کار ساده‌ای نیست، آنچه به نام فرهنگ در این نوشتار مدنظر است، توانایی عقلی و علمی در کنترل شرایط محیط در بعد فردی و اجتماعی است. فقدان فرهنگ در جامعه، سرنوشت فرد و جامعه را تحت‌الشعاع قرار می‌دهد و موجب به بار آمدن مشکلات فراوانی در سطح جامعه می‌گردد. در نوشتار حاضر عوامل ایجاد فقر فرهنگی در اندیشه علوی به‌منظور ریشه‌یابی مسئله فقر فرهنگی، با روش تبیینی بیان شده است.

فقر فرهنگی و فقر اقتصادی تأثیر متقابل بر یکدیگر دارند، اما گاهی فقر فرهنگی می‌تواند به‌مراتب مهمتر از فقر اقتصادی ظاهر شود و خود موجب پیدایش فقر اقتصادی گردد. دیدگاه امیرالمؤمنین (ع) درباره فقر فرهنگی، در تقابل با فرهنگ جاهلی و در راستای فرهنگ‌سازی است. در اندیشه علوی، فقر فرهنگی معلول «محرومیت» معرفی می‌شود که اهم آن محرومیت

---

\*. طلبه سطح ۲، مدرسه علمیه الغدیر تهران؛ eba1377@gmail.com

اقتصادی، محرومیت عقلی، محرومیت از شرایط مطلوب زیست محیطی، محرومیت از مدیریت مطلوب اقتصادی، محرومیت از رسانه مطلوب و محرومیت از مساجد و مبلغان دینی است.

**کلیدواژگان:** فرهنگ، فقر، فقر فرهنگی، محرومیت، اندیشه علوی

\*\*\*

#### مقدمه

جایگاه فرهنگ در جامعه انسانی به حدی مهم است که جامعه‌شناسان وجه تمایز انسان و حیوان را در فرهنگی بودن او می‌دانند. فرهنگ مفهوم گسترده‌ای است که شامل ارزش‌های اجتماعی و هنجارهای موجود در جوامع بشری و همچنین علوم، باورها، هنرها، قوانین، آداب و رسوم، توانایی‌ها و عادت‌های افراد می‌شود. فرهنگ روح حاکم بر جامعه و نشان‌دهنده هویت و شخصیت آن جامعه و زمینه‌ساز بسیاری از تحولات اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و حتی تکنولوژی است. بنابراین یکی از مهمترین مشکلاتی که جوامع با آن روبرو هستند، وجود فقر فرهنگی در برخی از مناطق است که برای ریشه‌کن کردن آن ابتدا ریشه‌یابی و شناخت صحیح از صورت مسئله، ضروری و لازم است. فقر فرهنگی از جمله مسائلی است که همه از آن سخن می‌گویند ولی در واقع یک مفهوم بکر است و بحث و بررسی در مورد آن ضرورت دارد. برای تعریف فقر فرهنگی، بررسی و تبیین دو مفهوم «فقر» و «فرهنگ» و رابطه میان این دو لازم و ضروری است. امروزه با توجه به پیشرفت فناوری و تکنولوژی و افزایش فعالیت‌های دشمنان در جهت تحمیل

فرهنگ غربی به مسلمانان و تلاش بی‌وقفه آنان در جهت نابودی اسلام، ضرورت دارد که در وهله اول عوامل ایجاد فقر فرهنگی در جامعه با توجه به اندیشه‌های امام معصوم در بعد فردی و اجتماعی شناخته شود؛ از این رو در این نوشتار این مهم با توجه به دیدگاه امام علی (ع) مورد بررسی و تحلیل قرار می‌گیرد، زیرا دیدگاه ایشان به‌عنوان کاملترین الگو در حکومت‌داری مسلمین مطرح است.

در نوشتار حاضر ابتدا به مفهوم‌شناسی فرهنگ، فقر و فقر فرهنگی پرداخته شده و سپس جایگاه فقر فرهنگی در اندیشه علوی مورد بررسی قرار گرفته و در نهایت به عوامل ایجاد فقر فرهنگی در اندیشه علوی اشاره شده است.

## الف) مفهوم‌شناسی

### ۱- فرهنگ

اغلب انسان‌شناسان و جامعه‌شناسان در برخورد با مفهوم «فرهنگ» به‌طور ضمنی یا صریح اذعان می‌کنند که تعریف فرهنگ کار چندان ساده‌ای نیست. وجود انبوه تعاریف نیز نمایانگر این پیچیدگی است. «فرهنگ» در فارسی برگرفته از «فرهنج» پهلوی است. فرهنگ هم به‌معنای ادب نفس و تربیت به‌کار رفته است و هم به‌معنای دانش و علم و معرفت (معین، ۱۳۸۱: ۲/۱۱۷۶).

«فرهنگ» در واقع معرفت، دانش و اندیشه‌ی مشترک و متضمن مؤلفه‌های مختلفی است که عبارتند از: جهان‌بینی یا هر آنچه از سنخ فکر است؛ ارزش‌ها یا ملاک‌های داوری درباره‌ی خوبی و بدی، زشتی و زیبایی و مطلوبیت موضوعات و حوادث مختلف؛ آنچه تمایلات و گرایش‌های اکتسابی ما را رقم

می‌زند؛ تکنولوژی و کنش‌ها، الگوهای رفتاری و نهادهای اجتماعی اعم از رسمی و غیررسمی؛ نمادها، علائمی نمادین که ما را به سمت و سوی سوق می‌دهند (افروغ، ۱۳۸۰: ۱۹). به‌طور کلی می‌توان گفت فرهنگ عرصه وسیعی دارد از اندیشه تا عمل و برآمده از زمان است؛ یعنی بدون شرایط زمانی و مکانی، قابل تعریف نیست.

## ۲- فقر

در کتب معجم و لغت، «فقر» به‌معنای شکافی است در پشت و غیر آن، و «فقیر» کسی است که مهره پشتش شکسته است (ابن فارس، ۱۳۹۹: ۴/۴۴۳). انسان فقیر را از این حیث فقیر گویند که گویا مهره پشتش به‌خاطر ذلت و خواری از ناحیه «فقر» شکسته است (مصطفوی، ۱۳۶۸: ۹/۱۱۸).

راغب اصفهانی درباره ماده «فقر» در *المفردات* می‌گوید: «فقر» در چهار معنا استعمال می‌شود: اول، وجود نیازهای ضروری در انسان و در همه موجودات که خدای متعال در آیه ۱۵ سوره فاطر به آن اشاره فرموده است: «يَا أَيُّهَا النَّاسُ اتُّمُّ الْفُقَرَاءُ إِلَى اللَّهِ وَاللَّهُ هُوَ الْغَنِيُّ الْحَمِيدُ». دوم، تهی دست بودن از اموال و وسایل زندگی که در آیه ۲۷۳ سوره بقره به آن اشاره شده است: «لِلْفُقَرَاءِ الَّذِينَ أَحْصَرُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ». سوم، فقر نفس و حرص و آزار است و بعید نیست که حدیث مشهور نبوی «كَادَ الْفَقْرُ أَنْ يَكُونَ كُفْرًا» اشاره به آن باشد و نقطه مقابل آن غنای نفس است. چهارم، فقر به‌معنای نیاز و وابستگی به ذات پاک پروردگار است؛ همانگونه که در دعا وارد شده است: «اللَّهُمَّ اغْنِنِي بِالْإِفْتِقَارِ إِلَيْكَ؛ خداوندا مرا وابسته به ذات پاک خویش گردان» (راغب، اصفهانی، ۱۴۱۲ق: ۱/۶۴۱).

در اصطلاح جامعه‌شناسی «فقر» را معمولاً «برآورده نشدن نیازهای اساسی بشر به حد کفایت» تعریف کرده‌اند. اما اینکه نیازهای اساسی انسان شامل چه مواردی می‌شود، می‌توان گفت، تعیین نیازهای اساسی انسان امری استاندارد و معین نیست، بلکه این نیازها وابسته به فرد، جامعه، زمان و مکان متغیر است. بر این اساس باید از شاخص‌هایی برای تعیین نیازها بهره گرفت. امروزه نیازهای مادی بنیادین انسان را بدین‌گونه برمی‌شمارند: خوراک، پوشاک، مسکن، بهداشت و درمان، آموزش، نقل و انتقال، تشکیل خانواده، ورزش و اوقات فراغت. برخی محققان این نیازها را به سه گروه اساسی تقسیم کرده‌اند که عبارتند از: تغذیه، سرپناه و سلامتی (اسفندیاری، ۱۳۸۲: ۴) که در صورت فقدان آنها، حکم به فقیر بودن فرد در جامعه می‌کنند.

### اقسام فقر

«فقر» تنها به امور مادی اطلاق نمی‌شود، بلکه به‌عنوان یک مفهوم کلی اقسام گوناگونی دارد که چهار مورد از مهمترین آنها عبارتند از:

- **فقر حقیقی (الی الله):** نیازمندی به حضرت حق و بندگی و عبودیت در برابر او فقر حقیقی است، چنانکه انسان دست نیاز به‌سوی دیگران دراز نکند و نیازش را به محضر خداوند عرضه بدارد و همیشه و در همه حال خود را فقیر و نیازمند او بشمارد (مکارم شیرازی، ۱۴۲۷ق: ۲/ ۱۹۰). خداوند در قرآن به این نوع فقر اشاره کرده و می‌فرماید: «يَا أَيُّهَا النَّاسُ أَنْتُمُ الْفُقَرَاءُ إِلَى اللَّهِ وَاللَّهُ هُوَ الْغَنِيُّ الْحَمِيدُ؛ ای مردم! شما محتاج به خدايید و خدا تنها بی‌نیاز و ستوده است» (فاطر/۱۵). این نوع فقر مایه افتخار است؛ چنانکه امیرمؤمنان علی (ع) می‌فرماید: «إلهی کفی بی عزاً أن اکون لک عبداً و کفی بی

فخراً ان تکون لی رباً؛ خدای من مرا همین عزت بس که بنده تو باشم و مرا همین فخر بس که تو خدای من باشی» (ابن بابویه، ۱۳۶۲: ۲ / ۴۲۰). بنابراین فقر الی الله فقری است که نه تنها شامل انسان بلکه شامل تمام موجودات می‌شود.

- **فقر اقتصادی:** فقر اقتصادی در یک تقسیم‌بندی در دو قسم مطلق و نسبی قابل بررسی است:

الف) فقر مطلق: فقری است که فرد از تمام جهات تهیدست باشد و برای هیچ یک از نیازها و ضرورت‌های معیشتی، هزینه‌ای نداشته باشد.

ب) فقر نسبی: اگر شخصی تحت شرایطی نیاز به داشتن هزینه‌ای در زندگی پیدا کرد که افراد دیگر به آن هزینه نیاز ندارند، در اینجا فقر نسبی ایجاد می‌شود؛ مثلاً جوانی که نیاز به ازدواج دارد به هزینه آن محتاج است، اگر فاقد این هزینه‌ها باشد، فقیر به حساب می‌آید، هر چند افراد دیگری نیز فاقد آن هزینه‌ها باشند، ولی چون نیازی به ازدواج ندارند، فقیر محسوب نمی‌شوند (مکارم شیرازی، ۱۴۲۷ق: ۲ / ۱۶۶).

- فقر جسمی: شخصی که نقص عضو دارد، دچار فقر جسمی است. بدین ترتیب معلولان در شمار فقیران جای دارند، البته چنین فقری غالباً به فقر مالی نیز می‌انجامد (رحمانی، ۴ / ۱۳۹۶/۵).

- فقر فرهنگی: فرهنگ معنایی گسترده دارد و ابعاد وسیعی از زندگی انسان را شامل می‌شود. هرکسی که توانایی علمی و عقلی بهینه‌سازی شرایط محیطی خود را در بعد فردی و اجتماعی نداشته باشد، دچار فقر فرهنگی است (همان). در نهایت آنچه به نام فرهنگ در اینجا مدنظر است و فقر

فرهنگی بدان اطلاق می‌شود عبارت است از: بی‌خردی، بی‌سوادی، اعتقادات خرافی، کاستی محبت و فزونی بغض و امثالهم.

### ب) فقر فرهنگی در اندیشه علوی

بررسی شرایط فرهنگی زمان حضرت علی (ع) برای تحلیل و تبیین دیدگاه ایشان در مورد فرهنگ لازم و ضروری است؛ چرا که فرهنگ برآمده از زمان است.

امام علی (ع) در توصیف شرایط فرهنگی و مالی عصر جاهلیت می‌فرماید:

«إِنَّ اللَّهَ [تَعَالَى] بَعَثَ مُحَمَّدًا (ص) نَذِيرًا لِلْعَالَمِينَ وَ أَمِينًا عَلَى التَّنْزِيلِ وَ أَنْتُمْ مَعْشَرَ الْعَرَبِ عَلَى شَرِّ دِينٍ وَ فِي شَرِّ دَارٍ، مَنِخُونَ بَيْنَ حِجَارَةٍ خُشْنٍ وَ حَيَاتٍ صُمِّ تَشْرِبُونَ الْكَدْرَ وَ تَأْكُلُونَ الْجَشِبَ وَ تَسْفِكُونَ دِمَاءَكُمْ وَ تَقْطَعُونَ أَرْحَامَكُمْ، الْأَصْنَامُ فِيكُمْ مَنْصُوبَةٌ وَ الْآثَامُ بِكُمْ مَعْصُوبَةٌ؛ خداوند، پیامبر اسلام، حضرت محمد (ص) را

هشداردهنده جهانیان مبعوث فرمود، تا امین و پاسدار وحی الهی باشد، آنگاه که شما ملت عرب، بدترین دین را داشته و در بدترین خانه زندگی می‌کردید، میان غارها، سنگ‌های خشن و مارهای سمی خطرناک فاقد شنوایی به سر می‌بردید، آب‌های آلوده می‌نوشیدید و غذاهای ناگوار می‌خوردید، خون یکدیگر را به ناحق می‌ریختید و پیوند خویشاوندی را می‌بریدید، بت‌ها میان شما پرستش می‌شد و مفاسد و گناهان، شما را فرا گرفته بود» (نهج البلاغه، خطبه ۲۶).

حضرت علی (ع) همواره به دنبال اصلاح فرهنگ جاهلی زمان خویش بود، اما برای شناخت دیدگاه ایشان در مورد فرهنگ مطلوب، شواهد تاریخی بسیار اندک است. لذا به نظر می‌رسد از مسیر «تعرف الاشياء باضدادها» هر جا امیرالمومنین (ع) با فرهنگ جاهلیت زمان خویش مقابله کرده، همان فرهنگ

مطلوبی است که حضرت (ع) به دنبال گسترش و نهادینه‌سازی آن بوده است (افروغ و اولیایی، ۱۳۹۸: ۵۵).

از جمله مهمترین مواردی که به‌عنوان مصادیق فقر فرهنگی در آن زمان می‌توان برشمرد عبارت است از: قبیله‌محوری، تعصب و حمیت، جنگ‌افروزی و خونریزی، تحقیر زنان و علم‌گریزی. این خصوصیات، مجموعاً یک فرهنگ را شکل می‌دهد و مجموعه‌ای از رفتارها، ارزش‌ها و اندیشه‌ها را پدید می‌آورد. نگاه فرهنگی حضرت علی (ع) دقیقاً نقطه مقابل فرهنگ جاهلی آن زمان بود. ایشان با تأکید بر تقوی و انسانیت در برابر قبیله‌محوری، علم‌آموزی و ترویج فرهنگ علم‌محور، ارج نهادن به جایگاه رفیع زنان، اولویت فرهنگ و ادب در مقابل نسب، حمیت‌ستیزی و جنگ‌گریزی و در یک کلام، فعلیت بخشیدن به موازین الهی در جهت رفع فقر فرهنگی کوشیدند.

### ج) عوامل ایجاد فقر فرهنگی از دیدگاه علی (ع)

فقر فرهنگی زاییده مجموعه‌ای از محرومیت‌هاست که اهم آنها در اندیشه علوی عبارتند از:

#### ۱- محرومیت اقتصادی

فقر اقتصادی و فقر فرهنگی بر یکدیگر تأثیر متقابل دارند؛ از طرفی فقر فرهنگی، تأثیرات بدی بر اجتماع به جا می‌گذارد و فقر اقتصادی را به دنبال دارد، زیرا اگر شخصی از نظر فرهنگی دچار فقر باشد، این جهالت عقلی و علمی و فقدان رشد موجب می‌شود تا مال و ثروت خویش را تباه سازد، از این رو خداوند در قرآن می‌فرماید: «وَلَا تُؤْتُوا السُّفَهَاءَ أَمْوَالَكُمُ الَّتِي جَعَلَ اللَّهُ لَكُمْ قِيَامًا...؛ اموالی را که خداوند قوام زندگانی شما را به آن مقرر داشته به تصرف



سفیهان مدهید...» (نساء/ ۵). از طرف دیگر، بیشترین چالشی که یک اجتماع با آن مواجه است، وجود فقر اقتصادی است که می‌تواند توده‌های مردم را به فقر فرهنگی بکشاند. از نظر قرآن، فقر اقتصادی موجب می‌شود تا مردم نسبت به خدا بدگمان شوند، از این رو می‌فرماید: «وَ أَمَّا إِذَا مَا ابْتَلَاهُ فَقَدَرَ عَلَيْهِ رِزْقُهُ فَيَقُولُ رَبِّي أَهَانَنِ؛ و اما چون امتحانش کند و روزی او را تنگ بسازد گوید: پروردگارم خوارم کرده است» (فجر/ ۱۶). فقر و تهیدستی، زمینه‌ساز بدگمانی به خداوند و لب‌گشودن به اعتراض و گلایه از او می‌شود. رسول اکرم (ص) در این خصوص می‌فرماید: «كَادَ الْفَقْرُ أَنْ يَكُونَ كُفْرًا؛ نزدیک است که فقر انسان را به مرحله کفر برساند» (کلینی، ۱۴۰۷ق: ۲ / ۳۰۷). علی (ع) در این باره می‌فرماید: «الْفَقْرُ، الْمَوْتُ الْأَكْبَرُ؛ فقر مرگ بزرگتر است» (نهج البلاغه، حکمت ۱۶۳). همچنین در مورد نکوهش فقر در کلمات قصار ایشان تعابیر متعددی دیده می‌شود؛ از جمله در حکمت ۳ آمده است: «وَالْفَقْرُ يُخْرِسُ الْفَطِينَ عَنْ حُجَّتِهِ؛ فقر، انسان هوشمند را از بیان دلیل و حجت خود گنگ می‌سازد». همچنین در حکمت ۵۶ آمده است: «وَأَنَّ الْفَقْرَ فِي الْوَطَنِ غُرْبَةٌ؛ فقر در وطن، غربت است» و در حکمت ۳۱۹ آمده است: «فَإِنَّ الْفَقْرَ مَنْقَصَةٌ لِلدِّينِ! مَدْهَشَةٌ لِلْعَقْلِ، دَاعِيَةٌ لِلْمَقْتِ؛ فقر سبب نقصان دین و مشوش شدن عقل و جلب کینه می‌گردد».

در واقع فقر زمینه انواع انحرافات را به‌ویژه در وجود افراد کم‌ظرفیت فراهم می‌سازد. بسیار دیده شده که افراد فقیر کلمات کفرآمیز بر زبان جاری می‌کنند و هنگامی که زن و فرزند خود را گرسنه می‌بینند دست به هر کاری می‌زنند، قوانین اجتماعی را می‌شکنند، آداب و اخلاق انسانی را فراموش می‌کنند و برای

رفع فقر خود هر کاری را مجاز می‌شمارند و اگر شخص فقیر کم‌ظرفیت واقعاً کافر نشود، به مرز کفر نزدیک می‌گردد و حداقل رضایت به قضای الهی را از دست می‌دهد (مکارم شیرازی، ۱۳۸۶: ۱۳ / ۳۳۲). مجموعه اینها به قدری مهم است که می‌توان گفت اصلی‌ترین و مهم‌ترین عامل ایجاد فقر فرهنگی، فقر اقتصادی است و به نظر می‌رسد کاربردی‌ترین راهکار در جهت کاهش فقر فرهنگی در جامعه، حل کردن مشکلات اقتصاد در سطوح مختلف است.

## ۲- محرومیت از عقل و خرد

مهمترین شاخصه فقر فرهنگی، جهل و نادانی است؛ زیرا تا کسی از شناخت و آگاهی لازم و صحیح نسبت به هستی، جامعه و انسان برخوردار نباشد، به‌طور طبیعی قادر نخواهد بود تغییر و تحولی در اوضاع زندگی خود ایجاد نماید. حضرت علی (ع) علم و آگاهی را اصل و ریشه هر خیر و جهل و نادانی را اصل و ریشه هر شری می‌داند و می‌فرماید: «لا فقرَ كَالْجَهْلِ؛ هیچ فقری مانند جهل و نادانی نیست» (تمیمی آمدی، ۱۴۱۰ق: ۷۶۸).

شهید مطهری درباره اهمیت علم‌آموزی بیان می‌دارند که اگر مردم روایت نبوی «طلبُ العلمِ فريضةٌ على كلِّ مسلمٍ» (کلینی، ۱۴۰۷ق: ۱ / ۳۱) را به‌صورت جدی یک تکلیف شرعی در نظر گیرند، چه نهضت و حرکتی به وجود خواهد آمد و خود به خود راههای اجرایی آن نیز درست خواهد شد. عقبه بزرگ همین است که مردم متوجه این تکلیف شرعی عمومی بشوند و آن را در ردیف سایر فرائض بشمارند (مطهری، ۱۳۷۷: ۱۸۷).

اعتلای فرهنگی و سطح آگاهی و شناخت مردم، یکی از شاخص‌های توسعه انسانی در جهان است. این شاخص نه تنها در رشد اقتصادی عاملی

تعیین‌کننده است، بلکه خود نیز موضوعیت دارد؛ یعنی حتی اگر کشوری از رشد اقتصادی بالا بهره‌گیرد، ولی شمار بی‌سوادانش بسیار باشد، توسعه یافته‌شمرده نمی‌شود. از این‌رو اسلام بر دانش و فراگیری آن تأکید فراوان نموده است. مطالعه سیره عملی پیامبر اعظم (ص) در صدر اسلام نشان‌دهنده اهمیت این موضوع است؛ چنانکه آن حضرت (ص) پس از جنگ بدر مقرر داشت اسیرانی که توان پرداخت فدیة را ندارند، در برابر آموزش خواندن و نوشتن به ده مسلمان آزاد شوند (رحمانی، ۴/ ۱۳۹۶).

علاوه بر علم‌آموزی و ترویج فرهنگ علم‌محور، دسترسی به فرصت‌های آموزشی برابر و امکانات و خدمات فرهنگی برای پیشرفت و توسعه جامعه نیز در فرهنگ علوی مورد توجه است. حضرت علی (ع) در این‌باره می‌فرماید: «أَيُّهَا النَّاسُ إِنِّي لِي عَلَيْكُمْ حَقًّا وَ لَكُمْ عَلَيَّ حَقٌّ، فَأَمَّا حَقُّكُمْ عَلَيَّ فَالْصِّحَّةُ لَكُمْ وَ تَوْفِيرُ فَيْئِكُمْ عَلَيَّكُمْ وَ تَعْلِيمُكُمْ كَيْلًا تَجْهَلُوا وَ تَأْدِيبُكُمْ كَيْمًا تَعْلَمُوا؛ ای مردم، مرا بر شما و شما را بر من حقی واجب شده است، حق شما بر من، آن که از خیرخواهی شما دریغ نوزم و بیت‌المال را میان شما عادلانه تقسیم کنم و شما را آموزش دهم تا بی‌سواد و نادان نباشید و شما را تربیت کنم تا راه و رسم زندگی را بدانید» (رهج‌البلاغه، خطبه ۳۴). ایشان برای تبیین این حق منزلت اجتماعی علم و عالم را بیان داشته و می‌فرماید: «قِيَمَةُ كُلِّ امْرِئٍ مَا يُحْسِنُهُ؛ ارزش هر کس به مقدار دانایی و تخصص اوست» (همان، حکمت ۸۱) و در جای دیگر می‌فرماید: «فَبَادِرُوا الْعِلْمَ مِنْ قَبْلِ تَصْوِیحِ نَبْتِهِ وَ مِنْ قَبْلِ أَنْ تُشْغَلُوا بِأَنْفُسِكُمْ عَنْ مُسْتَتَارِ الْعِلْمِ مِنْ عِنْدِ أَهْلِهِ، وَ أَنْهُوا عَنِ الْمُنْكَرِ وَ تَنَاهَوْا عَنْهُ، فَإِنَّمَا أَمْرُكُمْ بِالنَّهْيِ بَعْدَ

التَّناهِی؛ پس در فراگیری علم و دانش پیش از آنکه درختش بخشکد تلاش کنید و پیش از آنکه به خود مشغول گردید از معدن علوم، اهل بیت (ع)، دانش استخراج کنید. مردم را از حرام و منکرات باز دارید و خود هم مرتکب نشوید، زیرا دستور داده شدید که ابتدا خود محرّمات را ترک و سپس مردم را بازدارید» (همان، خطبه ۱۰۵). بنابراین بالا بردن شناخت و علم و آگاهی و همچنین تقویت قوه عاقله و خرد انسان مهمترین راهکار مقابله با فقر فرهنگی به‌شمار می‌آید.

### ۳- محرومیت از شرایط زیست محیطی مطلوب

از عوامل تأثیرگذار در ایجاد فقر فرهنگی، محرومیت از شرایط زیست محیطی مطلوب از جهت جغرافیایی و فرهنگی است. امیرالمؤمنین (ع) در جهت اهمیت شرایط اقلیمی، به تأثیر آب و هوا بر شخصیت انسان اشاره کرده و در مورد سرزمین بصره می‌فرماید: «و ماؤکم زعاق؛ آب شما شور و تلخ است» (نهج البلاغه، خطبه ۱۳). معلوم است چنین آبی علاوه بر تلخی و شوری، به خاطر مجاورت ساحل دریا، آلودگی‌های زیادی نیز دارد که برای سلامتی جسمانی زیانبار بوده و با توجه به رابطه روح و جسم، بر روح و فکر انسان نیز مؤثر است (مکارم شیرازی، ۱۳۸۶: ۱ / ۵۰۹). در روایتی دیگر در بحار الانوار آمده است: «بلادکم اتن بلاد اللّٰه تریة: اقربها من الماء و ابعدها من السّماء؛ خاک سرزمین شما بدبوترین خاک شهرهای خداست، از همه به آب نزدیکتر و از همه شهرها از آسمان دورتر است» (مجلسی، ۱۴۰۳: ۳۲ / ۲۵۴). درست است که تمام دریاهاى جهان در یک سطح قرار دارند و طبعاً همه بنادر از نظر فاصله با آب یا خورشید یکسانند، ولی بعید نیست که این تعبیر امام (ع)

اشاره به بلاد اسلامی دارد که بصره نسبت به سایر آنها در موقعیتی پست‌تر قرار دارد و شهرهایی که به سطح دریا نزدیک‌ترند، نور کمتری از آفتاب را دریافت می‌دارند، چراکه هوای مجاور آنها فشرده و غلیظ است و هر جا نور کمتری از آفتاب دریافت کند، آلودگی‌های بیشتری دارد، زیرا نور آفتاب اثر عمیقی در از میان بردن میکروب‌ها دارد (مکارم شیرازی، ۱۳۸۶: ۵۱۴).

بنابراین شرایط اقلیمی در شکل‌گیری فرهنگ و در نتیجه در سبک زندگی افراد و پیشرفت و تکامل آنها نقش بسیار حیاتی دارد. از سوی دیگر، محیط زیست از جهت جو اخلاقی و اجتماعی نامساعد نیز در ایجاد فقر فرهنگی تأثیر بسزایی دارد. از آنجا که انسان یک موجود اجتماعی است، جامعه‌ای که در آن زندگی می‌کند حریم او محسوب می‌شود و پاکی جامعه به پاکی او کمک می‌کند و آلودگی آن به آلودگی می‌انجامد. این امر به قدری مهم است که گویی هدف امیرالمؤمنین (ع) از بیان تمام عباراتش تلاش مستمر برای احیا و استمرار نظام ارزشی عصر پیامبر (ص) و آموزه‌های نبوی است. امام (ع) در حکمت ۱۹۹ از توده‌های بی‌بند و باری که گاه دست به دست هم می‌دهند و مفاسدی در جامعه ایجاد می‌کنند، سخن گفته و می‌فرماید: «هُمُ الَّذِينَ إِذَا اجْتَمَعُوا ضُرُّوا وَإِذَا تَفَرَّقُوا نَفَعُوا. فَقِيلَ قَدْ عَرَفْنَا [عَلِمْنَا] مَضْرَّةَ اجْتِمَاعِهِمْ، فَمَا مَنَفَعَةُ افْتِرَاقِهِمْ؟ فَقَالَ (ع) يَرْجِعُ أَصْحَابُ [أَهْلِ] الْمِهْنِ إِلَى مِهْنَتِهِمْ [مِهْنِهِمْ]، فَيَنْتَفِعُ النَّاسُ بِهِمْ، كَرُجُوعِ الْبِنَاءِ إِلَى بِنَائِهِ وَالنَّسَاجِ إِلَى مَنْسَجِهِ وَالْخَبَّازِ إِلَى مَخْبَزِهِ؛ أَنَانِ چُونِ گَرْدِ هَمْ آيِنْدِ زِيَانِ رِسَانَنْدِ وَ چُونِ پِرَاكَنْدِه شُونْدِ، سُوْدِ دِهَنْدِ. اَزِ اِمَامِ (ع) پِرِسِيدَنْدِ: چُونِ اَوْبَاشِ گَرْدِ هَمْ آيِنْدِ زِيَانِ رِسَانَنْدِ رَا دَانَسْتِيْمِ، اِمَا چِه سُوْدِي دَرِ

پراکندگی آنان است، فرمود: صاحبان کسب و کار و پیشه‌وران به کارهای خود بازمی‌گردند و مردم از تلاش آنان سود برند، بناً به ساختن ساختمان و بافنده به کارگاه بافندگی و نانوا به نانوايي روی می‌آورد» (نهج البلاغه، حکمت ۱۹۹). همچنین ارزش‌ها در هر منطقه از عوامل مؤثر بر فرهنگ آن منطقه است. در واقع ارزش‌ها به‌عنوان یکی از مؤلفه‌های اصلی فرهنگ، مسیر حرکت هر جامعه را مشخص می‌کنند، بنابراین اگر ضد ارزش‌ها به دلایلی جای ارزش‌ها را بگیرند، حرکت عمومی جامعه به‌سوی ضد ارزش‌ها طبیعی خواهد بود و به مرور زمان به فقر فرهنگی خواهد انجامید. حضرت (ع) در خطبه ۳۲ به این مهم اشاره می‌کند که در جامعه‌ای که نیکوکاران، بدکار شمرده شوند و ظالمان ستمگر، قهرمان میدان باشند، نظام ارزشی آنها بی‌شک تحت تأثیر قرار خواهد گرفت: «أَيُّهَا النَّاسُ، إِنَّا قَدْ أَصَبْنَا فِي دَهْرِ عُنُودٍ وَ زَمَنِ [شَدِيدٍ] كُنُودٍ، يُعَدُّ فِيهِ الْمُحْسِنُ مُسِيئًا وَ يَزْدَادُ الظَّالِمُ فِيهِ عُنُودًا؛ ای مردم، در روزگاری کینه‌توز و پر از ناسپاسی و کفران نعمت‌ها، صبح کرده‌ایم، که نیکوکار، بدکار به‌شمار می‌آید و ستمگر بر تجاوز و سرکشی خود می‌افزاید». بنابراین محیط زیست انسان از جهت جغرافیایی و فرهنگی با شکل‌دهی به نظام ارزشی جامعه می‌تواند عاملی مهم در جهت کاهش یا تشدید فقر فرهنگی باشد.

#### ۴- محرومیت از مدیریت مطلوب اقتصادی

اگر مدیریت اقتصادی جامعه در دست افراد باشد که گرفتار سفاقت و بلاهتند و از علم و حکمت بی‌بهره‌اند یا آن را به‌کار نمی‌گیرند، سلطه شهوت و هواهای نفسانی موجب می‌شود تا اجتماع را به تباهی کشند. بر این اساس،

لازم است تا افراد متخصص و متعهد، مسئولیت اداره جامعه را در دست گیرند و بر پایه علم و ایمان عمل کنند و فرهنگ درست را ترویج دهند.

حیاتی‌ترین و مهمترین نقش مسئولین در ایجاد فقر فرهنگی، سوء مدیریت اقتصادی، وجود فاصله طبقاتی و عدم اجرای عدالت در جامعه است. خود مسئولین باید چنان زندگی کنند که از لحاظ اقتصادی، برخورداری از امکانات رفاهی و از این قبیل امور همسطح مردم عادی جامعه باشند، تا از یک طرف از فاصله طبقاتی جلوگیری شود و از طرف دیگر، مردم مسئولین را در کنار خود ببینند؛ چنانکه امیرمؤمنان (ع) می‌فرماید: «إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ فَرَضَ عَلَى أُمَّةِ الْعَدْلِ أَنْ يَقْدُرُوا أَنْفُسَهُمْ بِضَعْفَةِ النَّاسِ كَيْلَا يَتَّبِعَ بِالْفَقِيرِ فَقْرَهُ؛ به یقین خداوند بر پیشوایان عادل واجب فرموده که خود را با مردم تهیدست برابر قرار دهند تا تهیدستی بر نیازمندان سنگینی نکند و آنان را از پای در نیورد» (کلینی، ۱۴۰۷ق: ۱/ ۴۱۱). در این صورت است که مردم دلگرم می‌شوند و از اعتراض در قالب توهین و فحاشی و آسیب رساندن به اموال عمومی که از جمله مصادیق فقر فرهنگی است، پرهیز می‌کنند.

از دیگر وظایف مسئولین در جهت کاهش فاصله طبقاتی، نظارت بر عملکرد نهادها و اشخاص است. هر چند فرهنگ نظارت و بررسی سنجیده، در دوران جدید، شکل و سامانی نو و امروزی به خود گرفته، اما این آموزه در معارف دینی و میراث فرهنگی ما همواره مورد توجه بوده و نظارت بر کارگزاران، امری جدی و معمول بوده است. یکی از بهترین روش‌ها در این زمینه، گماردن بازرسانی قابل اعتماد و درستکار است. امام علی (ع) که حکومتش، بهترین تجربه حکومتی در اجرای عدالت بود، در خصوص نظارت

بر عمل کارگزاران حکومتی خطاب به مالک اشتر می‌فرماید: «ثُمَّ تَفَقَّدَ أَعْمَالَهُمْ، وَأَبْعَثَ الْعِيُونَ مِنْ أَهْلِ الصَّدَقِ وَالْوَفَاءِ عَلَيْهِمْ، فَإِنَّ تَعَاهُدَكَ فِي السِّرِّ لِأُمُورِهِمْ حَدُودٌ لَهُمْ عَلَى اسْتِعْمَالِ الْأَمَانَةِ، وَالرَّفْقِ بِالرَّعِيَّةِ؛ سِپس رفتار کارگزاران را بررسی کن و جاسوسانی راستگو و وفاپیشه بر آنان بگمار که مراقبت و بازرسی پنهانی تو از کار آنان، سبب امانتداری و مهربانی با رعیت خواهد بود» (نهج البلاغه، نامه ۵۳)؛ زیرا بررسی کارهای ایشان، با اطلاع و آگاهی آنها بر اینکه این بررسی از طرف اوست، انگیزه‌ای برای امانتداری در انجام وظایفی که به عهده دارند و مدارای با مردم می‌گردد (ابن میثم بحرانی، ۱۳۷۵: ۲/۲۷۵).

از طرفی مسئولین در جهت رشد اقتصادی جامعه باید معاملات و نرخ آنها را به‌گونه‌ای مدیریت کنند که در جهت منفعت‌رسانی به مردم و پیشرفت جامعه باشد؛ امام علی (ع) در این باره می‌فرماید: «وَلْيَكُنِ الْبَيْعُ بَيْعًا سَمْحًا بِمَوَازِينِ عَدْلٍ وَ أَسْعَارٍ لَا تُجْحِفُ بِالْفَرِيقَيْنِ مِنَ الْبَايِعِ وَالْمُبْتَاعِ فَمَنْ قَارَفَ حُكْرَةً بَعْدَ نَهْيِكَ أَيَّاهُ فَتَنَكَّلْ بِهِ وَ عَاقِبُهُ فِي غَيْرِ اسْرَافٍ؛ باید معاملات با شرایط آسان صورت گیرد؛ با موازین عدل و نرخهایی که نه به فروشنده زیان برساند و نه به خریدار، و هرگاه کسی پس از نهی تو از احتکار، به چنین کاری دست بزند، او را کیفر کن و در مجازاتش بکوش، ولی زیاده‌روی نکن» (ابن ابی الحدید، ۱۴۰۴ق: ۱۷/۸۳).

تورم و گرانی در حد معقول و شناخته شده قابل تحمل و تحلیل اقتصادی است. اما نرخهای لحظه‌ای و قیمت‌های ناپایدار که هر لحظه در حال تغییر است، اسباب نوعی هرج و مرج و غارت اقتصادی را فراهم می‌آورد و اینجاست



که حاکمان و مسئولین باید در مقابل این مسئله بایستند و با عوامل آن برخورد مناسب کنند (مکارم شیرازی، ۱۳۸۴: ۱ / ۲۱ و ۲۲) و در شرایط غیرعادی نرخ کالاها را مشخص نموده و متخلفین را مجازات نماید. رعایت همه این امور جز با زمامداری شایسته و مدیریت مطلوب اقتصادی محقق نمی‌گردد. بنابراین زمامداران و مسئولان جامعه می‌توانند با سبک زندگی خود، برنامه‌ریزی در خصوص کم کردن فاصله طبقاتی و برخورداری همگانی از امکانات رفاهی و مالی می‌توانند در روند کاهش یا افزایش فقر فرهنگی مؤثر واقع شوند.

#### ۵- محرومیت از رسانه مطلوب

یکی از عوامل مؤثر در ایجاد فقر فرهنگی، محرومیت از رسانه‌های جمعی و امکاناتی از این قبیل است. رسانه‌ها نمی‌توانند از فرهنگ جدا باشند، چرا که محصولات فرهنگ جمعی را به سطوح مختلفی از سلیقه‌های عمومی انتقال می‌دهند (همان، ص ۱۸). درست است که رسانه به معنای امروزی در کلام اهل بیت (ع) مطرح نبوده، اما معنای رسانه و بایدها و نبایدهای آن قطعاً مورد توجه ایشان بوده است. رسانه به معنای ابزار انتقال پیام - در معنای وسیع خود - هم ابزار پیام‌رسانی همچون نامه را شامل می‌شود و هم افراد حامل پیام همچون نویسندگان آن را. علی (ع) با این پیش‌فرض که همگان حق دارند از نوشته‌های نویسندگان استفاده کنند، توصیه می‌کند که اطمینان از صلاحیت این افراد پیدا کنید تا پیام را به درستی دریافت نمایید (افروغ و اولیایی، ۱۳۹۸: ۶۸): «ثُمَّ انظُرْ فِي حَالِ كُتَابِكَ فَوَلِّ عَلَى أُمُورِكَ خَيْرَهُمْ ... فَاعْمِدْ لِاحْسَنِهِمْ كَانَ فِي الْعَامَّةِ أَثْرًا، وَ اعْرِفِهِمْ بِالْأَمَانَةِ وَجْهًا؛ سپس در امور نویسندگان و

منشیان به درستی بیندیش و کارهایت را به بهترین آنان واگذار ... به کاتبان و نویسندگانی اعتماد داشته باش که در میان مردم آثاری نیکو گذاشته و به امانتداری از همه مشهورترند» (نهج البلاغه، نامه ۵۳).

از طرفی اگر رسانه‌ها محتوای مناسبی نداشته و در جهت تبلیغ ضدارزش‌ها تولید محتوا کنند و الگوهای نامناسب و غیراخلاقی معرفی نمایند، خود یکی از اساسی‌ترین علل ایجاد و تشدید فقر فرهنگی خواهند بود. اغلب جوانان به دنبال نامند و قهرمانان و نام‌آوران را دوست دارند و در همه چیز از آنها تقلید می‌کنند (مکارم شیرازی، ۱۳۸۶: ۲/۲۶۲)، اگر در این میان عالمان و فرزنانگان و رادمردان از همه محترم‌تر باشند، آنها به سوی علم و دانش و مرام انسانی سوق پیدا خواهند کرد و با آن الگو شکل می‌گیرند و این امر بدون تردید در شکل‌گیری نظام فرهنگی و عملکرد افراد در سطح جامعه تأثیر زیادی خواهد گذاشت. گزینش الگوی نامناسب و اقبال و پیروی از ابرقهرمان‌های تو خالی از مصادیق فقر فرهنگی است که متأسفانه در جامعه امروزی به‌وفور مشاهده می‌شود.

#### ۶- محرومیت از مساجد و مبلغان دینی

یکی دیگر از عوامل مؤثر در ایجاد فقر فرهنگی، محرومیت از دین الهی است. خداوند به کرات در قرآن کریم به اهمیت دینداری و آثار دنیوی و اخروی آن اشاره کرده و اقامه دین را به‌عنوان یک تکلیف همگانی معرفی می‌نماید. تبلیغات دینی یکی از مهمترین منابع تولید فرهنگ به‌شمار می‌رود. پیوند تبلیغ دین با عنصر مکان که اغلب به دلیل فضای هندسی و جایگاه فرهنگی در مساجد اتفاق می‌افتد، موجب پیوند محتوای تبلیغ با رفتار، شخصیت، اخلاق و به‌طور کلی سیمای عمومی مبلغ می‌شود (فیرحی، ۱۳۹۰: ۶۷) و در نتیجه می‌تواند تأثیر

بسیاری در فرهنگ‌سازی صحیح داشته باشد. مسجد به‌عنوان یک نهاد دینی، پایگاه اجتماعی مسلمانان است و برخلاف دیگر معابد تنها جای نیایش و عبادت نیست، بلکه به‌واسطه ایجاد ارتباط مستقیم و چهره به چهره با مخاطب و دریافت بازخوردهای فوری می‌تواند تأثیرات احساسی و روحی خاصی بر مخاطب داشته باشد (همان، ص ۳۱). همچنین مساجد، نهادهای اساسی آموزش، به‌ویژه در زمینه آموزش قرآن، احکام، اخلاق و علومی همچون فقه و کلام هستند. در صدر اسلام، آموزش اسلامی با رسول خدا (ص) به‌عنوان نخستین مربی و معلم مسلمانان، در مسجد که در واقع پایگاه تعلیماتی بود، آغاز شد (افروغ، خان محمدی، قنبری نیک، ۱۳۹۷: ۴۷ و ۴۸)، اما بعد از رحلت پیامبر (ص) و روی کار آمدن خلفا، امیرالمؤمنین (ع) با دوری از عرصه‌های سیاسی نتوانست از این سنگر مقدس در راستای تلاش‌های فرهنگی بهره‌برداری کند، با این حال حتی در دوران ۲۵ سال سکوت و خانه‌نشینی، برای نماز در مسجد حاضر می‌شد و در موارد لازم به پرسش‌های مسلمانان پاسخ می‌داد. این سخن از عمر بن خطاب نقل شده که دوران خلافتش گفته است: «با حضور علی در مسجد کسی حق فتوا دادن ندارد» (ابن ابی الحدید، ۱۹۶۷م: ۱ / ۱۸). امیرالمؤمنین (ع) گاه در جلسات مناظره‌ای که در مسجد شکل می‌گرفت، شرکت می‌کرد و ضمن دفاع از جایگاه اهل بیت (ع)، آیات قرآن را نیز برای مردم تفسیر می‌کرد. پس از آنکه امیرالمؤمنین (ع) خلافت را در دست گرفت، از مسجد به‌عنوان مرکز تبلیغات اسلامی و روشنگری مردم بهره جست و بسیاری از خطبه‌های ایشان که اینک در اختیار ما قرار دارد، در مسجد کوفه یا مسجدالنبی ایراد شده است (افروغ، خان محمدی، قنبری نیک، ۱۳۹۷: ۵۰).

در واقع تعاملات فرهنگی میان مسجد و جامعه شامل اعتقادات، ارزش‌ها، هنجارها و اعمال و کنش‌ها و فعالیت‌های فرهنگی است که اگر جامعه‌ای فاقد این نهاد دینی باشد یا اگر مساجد از نقش‌آفرینی و تعاملات چندگانه خود با جامعه فاصله بگیرند، شاهد فقر فرهنگی در آنجا خواهیم بود.

### نتیجه‌گیری

از مجموع مباحث مذکور می‌توان نتیجه گرفت که فرهنگ مردم جامعه، سرنوشت آن جامعه را تعیین می‌کند، از این‌رو فقر فرهنگی می‌تواند جامعه را به سمت نابودی سوق دهد. عامل ایجاد فقر فرهنگی در یک کلمه «محرومیت» است. مهم‌ترین و عمده‌ترین محرومیتی که در اندیشه علوی باعث فقر فرهنگی می‌شود، محرومیت اقتصادی است. فقر اقتصادی و فقر فرهنگی هر کدام می‌توانند علت دیگری باشند. عدم آگاهی، جهل و نادانی و فقدان عقل معاش از موجبات ایجاد فقر اقتصادی است. از طرف دیگر، عدم برخورداری از امکانات رفاهی، تبلیغاتی، بهداشتی و امثالهم از عوامل ایجاد فقر فرهنگی محسوب می‌شود. از این‌رو عامل جهل و نادانی از مهمترین مؤلفه‌های فقر فرهنگی به‌شمار می‌آید؛ زیرا فردی که از شناخت و آگاهی لازم نسبت به هستی، انسان و جامعه برخوردار نیست، توانایی تحول و تغییر را در زندگی خود نخواهد داشت. محرومیت از شرایط محیطی مطلوب از دیگر عوامل ایجاد فقر فرهنگی است که از دو جهت شرایط آب و هوایی منطقه که بر خلق و خو و اندیشه‌ها و افکار مردم آن منطقه تأثیر می‌گذارد و از جهت محیط و جو اخلاقی و فرهنگی آن منطقه مورد اشاره قرار گرفت. عامل دیگر در ایجاد فقر فرهنگی، رهبران و مسئولان غیرمتخصص و غیرمتعهدند که با عدم مدیریت صحیح بر

رفتار و سطح زندگیشان، عدم برنامه‌ریزی مناسب و نظارت و مدیریت صحیح بر اقتصاد جامعه، موجب ایجاد فقر فرهنگی در جامعه می‌گردند. عامل دیگر، محرومیت از رسانه‌های جمعی مطلوب در جامعه است؛ چراکه رسانه‌ها می‌توانند با ترویج فرهنگ صحیح در بین مردم، از تشدید فقر فرهنگی جلوگیری کنند. آخرین عامل مورد اشاره در این نوشتار، محرومیت از مساجد و مبلغان دینی و در نتیجه محرومیت از دین است؛ زیرا مسجد به‌عنوان یک نهاد دینی و همچنین یک نهاد آموزشی می‌تواند در فرهنگ‌سازی و کاهش فقر فرهنگی نقش بسزایی داشته باشد.

#### فهرست منابع:

۱. قرآن کریم.
۲. نهج البلاغه.
۳. ابن ابی الحدید، عبدالحمید بن هبه الله، شرح نهج البلاغه، محقق محمد ابوالفضل ابراهیم، بیروت: افست، ۱۹۶۷ م.
۴. ابن بابویه، محمد بن علی، الخصال، قم: جامعه مدرسین، ۱۳۶۲.
۵. ابن میثم بحرانی، شرح نهج البلاغه، ترجمه قربانعلی محمدی مقدم، مشهد: بنیاد پژوهش‌های اسلامی، ۱۳۷۵.
۶. ابن فارس، احمد ابوالحسین، معجم مقاییس اللغة، بی‌جا، دالفکر، ۱۳۹۹.
۷. اسفندیاری، اسماعیل، «فقر و انحرافات اجتماعی»، مطالعات راهبردی زنان، ش ۲۱، ۱۳۸۲.
۸. افروغ، عماد؛ اولیایی، احمد، «عدالت فرهنگی، عنصر مقوم حکومت علوی»، نشریه علوم سیاسی، ش ۸۵، ۱۳۹۸.

۹. افروغ، عماد؛ خان محمدی، کریم؛ قنبری نیک، سیف الله، «تعامل فرهنگی مسجد و جامعه از منظر آموزه‌های دینی»، *اسلام و مطالعات اجتماعی*، ش ۲، ۱۳۹۷.
۱۰. افروغ، عماد، فرهنگ شناسی و حقوق فرهنگی، تهران: انتشارات فرهنگ و دانش، ۱۳۸۰.
۱۱. تمیمی آمدی، عبد الواحد بن محمد، *غرر الحکم و درر الکلم*، قم: دارالکتب الاسلامی، ۱۴۱۰ق.
۱۲. راغب اصفهانی، *المفردات فی غریب القرآن*، بیروت، دار القلم، ۱۴۱۲ق.
۱۳. رحمانی، امید، «فقر فرهنگی و راهکارهای مقابله با آن»، کدخبر: ۱۰۹۷۰۰، ۴ / ۵ / ۱۳۹۶.
۱۴. فیرحی، داود، «دین، رسانه و فرهنگ»، *نشریه دین و رسانه*، ش ۲، ۱۳۹۰.
۱۵. کلینی، محمد بن یعقوب، *الکافی*، تهران: دارالکتب الاسلامیه، ۱۴۰۷ق.
۱۶. مجلسی، محمدباقر، *بحار الانوار*، بیروت: دار احیاء التراث العربی، ۱۴۰۳ق.
۱۷. مصطفوی، حسن، *التحقیق فی الکلمات القرآن الکریم*، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۶۸.
۱۸. مطهری، مرتضی، *ده گفتار*، تهران: انتشارات صدرا، ۱۳۷۷.
۱۹. معین، محمد، فرهنگ معین، تهران: انتشارات ادنا، ۱۳۸۱.
۲۰. مکارم شیرازی، ناصر، *پیام امام امیرالمؤمنین (ع)*، تهران: دار الکتب الاسلامیه، ۱۳۸۶.
۲۱. ....، *دایره‌المعارف فقه مقارن*، قم: مدرسه امام علی بن ابی طالب (ع)، ۱۴۲۷ق.
۲۲. ....، *۱۱۰ سرمشق از سخنان حضرت علی (ع)*، قم: مدرسه الامام علی بن ابی طالب (ع)، ۱۳۸۴.